

## Future Scenarios of Iran-US Relations over a Five-Year Horizon Based on a Hypothesis-Based Scripting Approach

Ayooob Nikoo Nahad \*, Abdollah Moradi \*\*, Zohreh Mohammadi \*\*\*

Mohsen Mohammadi Khangahi\*\*\*\*

### Abstract

One of the most complex issues in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran since the victory of the revolution until now has been how to deal with and how to regulate the interaction between Iran and the United States in the regional environment and the international system. Increasing or decreasing the conflicts between the two countries has a logical and significant relationship with a set of interrelated factors, which means that in order to find a solution to reduce conflicts and contradictions, the basic variables must be coordinated within the two countries and in the international environment. In the present study, we seek to answer the question of what scenarios can be drawn for the future of Iran-US relations in the next five years between 2022 and 2027?

The tool to answer this question is to use a scenario-based approach to assumption, which is one of the exploratory approaches in scenario writing and based on evidence, creativity and expertise, and by identifying possible assumption of relations between the two countries And the United States, through brainstorming, using the panel of experts and categorizing them, scenarios have been extracted, and the realization of any scenario will depend on the existence of hypotheses that need to occur.

The research findings indicate that based on the existing variables and hypotheses, the preferred scenario ahead is increased competition and hostility and possible and probable scenarios, conditional and limited interaction, and reconciliation scenario.

It can be concluded that the weight of warning signs is much higher than the shaping measures, load-bearing assumptions and actions that insure the Iran-US relationship, so managing tensions in bilateral relations should be a priority for policymakers in both countries.

**Keywords:** Scenario Writing, Assumption Approach Planning, USA, Iran

---

\* Corresponding Author: PH.D Candidate in the Political Studies Islamic Revolution(Islamic Revolution Futurology) Shahed University, Tehran, Iran

\*\* Assistant Professor, Department of the International Ties, College of, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

\*\*\* PH.D Candidate in the Political Studies Islamic Revolution(Islamic Revolution Futurology) Shahed University, Tehran, Iran

\*\*\*\* PH.D Candidate in the Political Studies Islamic Revolution(Islamic Revolution Sociology) Shahed University, Tehran, Iran



نشریه علمی

آینده پژوهی انقلاب اسلامی

(پاییز ۱۴۰۰، سال ۲، شماره ۳: ۳۵ - ۰۷)

شاپا چاپی: ۳۶۷۴ - ۲۷۱۷  
شاپا الکترونیکی: ۳۶۶۶ - ۲۷۱۷

## سناریوهای آینده روابط ایران و آمریکا در افق پنج

### ساله بر اساس رویکرد سناریونویسی

ایوب نیکونهاد\*، عبدالله مرادی\*\*، زهره محمدی\*\*\*، محسن محمدی خانقاهی\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴

#### چکیده

یکی از پیچیده ترین مسائل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب تاکنون، نحوه مواجهه و چگونگی تنظیم تعامل بین دو کشور ایران و آمریکا در محیط منطقه ای و نظام بین المللی بوده است. در برهه هایی از تاریخ ایران بعد از انقلاب، این مواجهه در بعضی از مقاطع تا آستانه یک جنگ فراگیر بین دو کشور پیش رفته و در بعضی از برهه ها همانند زمان گفت و گوهای برجاسی و انعقاد توافق نامه برجاس، زمینه های حل و فصل نسبی اختلافات بین دو کشور فراهم گردیده است. افزایش یا کاهش تعارضات بین دو کشور به مجموعه ای از عوامل به هم پیوسته، ارتباط منطقی و معناداری پیدا می کند و برای یافتن راه حل کاهش تعارضات و تضادها، می بایست متغیرهای اساسی در داخل دو کشور و در محیط بین المللی هماهنگ گردند. در پژوهش پیش رو، به دنبال پاسخ گویی به این پرسش هستیم که چه سناریوهایی را می توان برای آینده روابط ایران و آمریکا در پنج سال آینده در بازه زمانی ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۷ میلادی ترسیم کرد؟ ابتزار پاسخ گویی به این پرسش، بهره گیری از رویکرد سناریونویسی برپایه فرض است که از رویکردهای اکتشافی در سناریونگاری و بر مبنای شواهد، خلاقیت و خبرگانی بوده که با شناسایی فرض های محتمل روابط بین دو کشور و متغیرهای اساسی شکل دهنده به رابطه ایران و آمریکا (از طریق طوفان مغزی با استفاده از پنل خبرگانی) و دسته بندی آن ها، سناریوها استخراج گردیده اند. یافته های پژوهش بیانگر آن است که بر اساس متغیرها و فرض های موجود، سناریوی ارجح پیش رو، افزایش رقابت و دشمنی و سناریوی ممکن و محتمل، تعامل مشروط و محدود و سناریوی مصالحه و سازش است. می توان گفت که وزن علائم هشدار به مراتب بسیار بیشتر از اقدامات شکل دهنده، فرض های باربر و اقدامات بیمه کننده رابطه ایران و آمریکا است؛ بنابراین مدیریت تنش ها در روابط دو کشور، باید اولویت سیاست گذاران در دو کشور باشد.

**کلیدواژه ها:** سناریونویسی؛ آمریکا؛ ایران.

\* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی (آینده پژوهی انقلاب اسلامی)، دانشگاه شاهد، تهران، ایران  
Anikunahad@gmail.com

\*\* استادیار، گروه روابط بین الملل، دانشکده امنیت، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

\*\*\* دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی (آینده پژوهی انقلاب اسلامی)، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

\*\*\*\* دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی (جامعه شناسی انقلاب اسلامی)، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

## مقدمه

با وجود آنکه ایالات متحده آمریکا از اواخر دوران قاجاریه به عنوان نیروی سوم و متعادل کننده رقابت بین اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان، پا به عرصه مناسبات سیاسی ایران گذاشت؛ اما در مدت زمان کوتاهی و پس از جنگ جهانی دوم، به اعمال سیاست‌های استعماری و سلطه طلبانه در ایران پرداخت. نقشی که از سوی آمریکایی‌ها به حکومت پهلوی دوم واگذار شده بود، عمدتاً در چارچوب دست‌نشانده‌گی و به عنوان حافظ منافع آن‌ها در قالب ژاندارم منطقه، تعریف می‌شد و کمتر صاحب‌نظر و اندیشمندی بر این باور بود که به واسطه شکل‌گیری انقلابی در ایران، علی‌رغم نهادینگی روابط بین دو کشور به دشمنانی سخت و غیرقابل انعطاف تبدیل گردند. مشخصات و مختصات انقلابی که در ۱۹۷۹ در ایران به وقوع پیوست و آن‌را در میان انقلاب‌های هم‌عصر خود در نظام بین‌الملل متمایز می‌ساخت، بر نفی وابستگی به شرق و غرب به عنوان بازیگران هم‌مون نظام بین‌الملل در آن مقطع زمانی، استقلال‌گرایی و پیگیری برپایی نظم اخلاقی عادلانه براساس ارزش‌های اسلامی بود. این جهت‌گیری‌ها هم‌راستا با رویدادهایی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در روابط بین دو کشور ایران و آمریکا به وجود آمد سرمنشأ فرآیندی گردیده است که منازعه بین دو کشور را به یک منازعه سخت‌گفتمانی تبدیل کرده است.

طی چهار دهه گذشته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جهت‌گیری‌های داخلی دو کشور هم‌روند یکسانی طی نکرده و در برهه‌های زمانی، دولت‌های مختلف رویکردهای متفاوتی در خصوص مسائل بین دو کشور (از احتمال وقوع درگیری و رویارویی نظامی مستقیم تا امکان مصالحه و سازش) درپیش گرفته‌اند. آنچه مسلم است نحوه و چگونگی تنظیم روابط بین دو کشور، وابسته به وجود متغیرهایی است که بالقوه و بالفعل بودن این مجموعه متغیرها تا حد بسیار زیادی بر جهت‌گیری‌های روابط بین دو کشور تأثیر بسیار زیاد و حیاتی دارد و وقوع هر یک از سناریوهای روابط آینده دو کشور، بر وجود این متغیرها و فرض‌ها استوار خواهد بود. در عین حال باید این نکته را هم یادآور شد که مسأله روابط بین ایران و آمریکا به یکی از پیچیده‌ترین مسائل بین دو کشور تبدیل شده که علاوه بر تأثیرگذاری متقابل بر سیاست خارجی ایران و

آمریکا، بر کنش گری سایر بازیگران منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای در مواجهه با مسائل مختلف تأثیرگذار است.

با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری این مسأله، افراد، رسانه‌ها، صاحب‌نظران، مؤسسات، اندیشکده‌ها و گروه‌های مختلفی به پژوهش درخصوص روابط بین ایران و آمریکا در مقاطع مختلف زمانی پرداخته‌اند؛ اما پژوهش پیش رو درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که چه سناریوهایی را می‌توان برای آینده روابط بین دو کشور در افق‌های زمانی پنج‌ساله ترسیم کرد؟ چه فرض‌هایی را می‌توان در روابط بین دو کشور شناسایی کرد؟ و براساس تکنیک روندپژوهی روابط بین دو کشور از ابتدا تاکنون، چه فراز و نشیب‌هایی را طی کرده است؟ بعد از سناریو نویسی وقوع هر یک از سناریوهای پژوهش بستگی به تحقق یافتن متغیرها و فرض‌هایی است که براساس رویکرد برنامه‌ریزی بر پایه فرض شناسایی شده‌اند و طی یک فرایند منطقی و روش-شناسانه، هر یک از این فرض‌ها با اقدامات آینده پیوند یافته‌اند. در عین حال بنای پژوهش هم با توجه به رویکرد روش‌شناسانه آن بر این نخواهد بود تا وقوع یا عدم وقوع هر یک از این فرض-های موجود در روابط بین دو کشور را تبیین و بررسی نماید؛ چراکه پژوهش در این صورت رویکرد تحلیلی - توصیفی پیدا می‌کند؛ اما درواقع این پژوهش مبتنی بر این اصل است تا سناریوها را با اقدامات (فرض‌ها) مرتبط سازد و به صورت یک پیوستار قاعده‌مند، سناریوها را در راستای فرض‌ها قرار دهد.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بنابه نظر وندل بل، آینده‌پژوهی به دنبال مطالعه نظام‌مند، کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است. آینده‌پژوهی انتخاب‌های مختلفی را راجع به آینده فراروی افراد و سازمان‌ها قرار می‌دهد و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آن‌ها کمک می‌کند (بل، ۲۰۰۳: ۷۳). سهیل عنایت‌الله، آینده‌پژوهی را مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها، جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر ملت می‌داند (عنایت‌الله،

۲۰۰۷: ۱). در آینده پژوهی ما با یک آینده منفرد مواجه نیستیم؛ بلکه با طیف متنوعی از آینده‌ها روبرو هستیم که جهت کسب نتایج مثبت و حداکثری، باید به صورت هم‌زمان آن‌ها را مدنظر قرار داد. مهم‌ترین ابزار آینده‌پژوهی، بهره‌گیری از روش‌های متنوع و چندگانه است. شاه‌بیت و کانون روش‌های آینده‌پژوهی، سناریونویسی است. سناریوسازی یا سناریوپردازی، یکی از شیوه‌های متداول و روش‌های پایه‌ای آینده‌پژوهی است که از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای متنوع، تصاویر باورپذیر و به‌لحاظ درونی سازگار از آینده ایجاد می‌کند. وندل بل بر این باور است که تمامی روش‌های آینده‌پژوهی مقدمه سناریونویسی هستند و می‌توانند به خلق سناریو منجر شوند (بل، ۲۰۰۳: ۳۱۷).

برای ساخت سناریوهای منطقی، مهم‌ترین امر، شفافیت کامل در مورد کل موضوع تا حد امکان است. پس از درک کامل از موضوع باید کلیه اطلاعات جمع‌آوری گردند؛ سپس کلیه احتمالات و حالاتی که به این اطلاعات طی زمان می‌توانند شکل بدهند، بررسی می‌شوند. مرحله بعد، شناخت و تجزیه و تحلیل نیروهایی است که در شکل‌دهی این محیط مؤثرند؛ سپس به یاری منطق و تحلیل‌های کمی، تصحیح می‌گردند و آن‌گاه عوامل نامربوط حذف می‌شوند (آساکول، ۱۳۸۴: ۸۰). رویکردهای متعددی برای سناریونویسی ذکر کرده‌اند که از جمله روش‌های طبقه‌بندی آن‌ها، طبقه‌بندی ران بردفیلد<sup>۱</sup> از اساتید دانشگاه استرادکلید<sup>۲</sup> در شهر گلاسکو اسکاتلند است که هفت رویکرد جامع را برای سناریونویسی دسته‌بندی کرده است. روش سناریونویسی برپایه فرض یکی از این رویکردهاست.

از عمده پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر در خصوص آینده روابط ایران و آمریکا به نگرارش درآمده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. سیدقائم موسوی و سیدحجت‌الله موسوی در پژوهشی تحت عنوان «چشم‌انداز آینده روابط ایران و آمریکا از منظر منطق فازی» با طرح پرسش چگونگی آینده روابط دو کشور، بر این باورند که روابط بین دو کشور را نمی‌توان از دیدگاه منطق کلاسیک و به یک دوگانه صرفاً تخصیص یا تعامل تقلیل داد و ممکن است بتوان حالات دیگری

1. Ron Brad Field  
2. The University of Strathclyde

نیز برای چگونگی روابط بین دو کشور در نظر گرفت.

مروری بر پیشینه‌های پژوهش، اهمیت پرداختن به این موضوع براساس سناریونویسی برپایه فرض را برای مخاطبان بیشتر روشن خواهد ساخت. محمدرضا چیت‌سازیان و نوذر شفیع‌ی در مقاله‌ای تحت عنوان «چشم‌انداز روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۳۰: سناریوهای ممکن» براساس نظریه سازه‌انگاری الکساندر ونت و با توجه به فرهنگ سه‌گانه آنارش‌ی دوستی، رقابت و دشمنی، به ترسیم سناریوها پرداخته‌اند. ضعف روش‌شناسی آینده‌پژوهی ساختارمند و بهره‌گیری از رویکرد توصیفی - تحلیلی که هیچ جایگاهی با روش‌شناسی آینده‌پژوهی ندارد، این پژوهش را سردرگم ساخته است.

سعید طالبی و حشمت‌الله فلاح‌پیشه در پژوهشی تحت عنوان «تخمین جایگاه ایران در سیاست خارجی آمریکا در ۲۰۲۵» با تحلیل کلان روندها و پیش‌ران‌ها، به شناسایی شاخص‌های تعامل و تقابل بین دو کشور پرداخته‌اند و مهم‌ترین شاخص‌های تعامل را جایگاه ژئوپلیتیک ایران، نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران دانسته و آینده‌پویش بازیگران، طرح منطقه‌ای و مبانی ایدئولوژیکی را مهم‌ترین شاخص‌های تقابل ارزیابی نموده‌اند.

حسین سیف‌زاده و امید ملکی در پژوهشی تحت عنوان «چشم‌انداز ۲۰ ساله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: آینده‌پژوهی مناسبات ایران و آمریکا با بهره‌گیری از ریاضیات و توزیع جای‌گشتی» بدون طرح هرگونه پرسش خاصی در پژوهش معتقدند که چهار مسأله حقوق بشر، صلح خاورمیانه، برنامه هسته‌ای و ادعای حمایت ایران از تروریسم، چهار مسأله گفتمانی تقابل ایران و آمریکا در دو دهه آینده به‌شمار می‌روند.

محمدعلی برزنونی و فرشید فرهادی در پژوهشی تحت عنوان «آینده‌پژوهی راهبردهای آمریکا برای مقابله با ایران برپایه سناریونویسی» به آینده‌پژوهی تهدیدات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند و سناریوهای رفتار آمریکا درخصوص ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. وجه تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌هایی که در این حوزه تاکنون به نگارش درآمده‌اند را می‌توان در بهره‌گیری این پژوهش از رویکرد ساختارمند سناریونویسی بر پایه فرض دانست که

منطبق با منطق رئالیستی است. هم‌چنین محدوده این پژوهش گرچه تا سال ۲۰۲۷ در نظر گرفته شده؛ اما می‌توان برای تحقق هر یک از سناریوها اقدام به برنامه‌ریزی‌های پابرجا نمود و راهبردهایی از پیش طراحی شده برای تحقق هر سناریو در صورت وقوع یا مواجه شدن با آن‌ها از پیش طراحی کرد.

## روش پژوهش

برنامه‌ریزی بر پایه فرض<sup>۱</sup> ابزاری است که به کمک آن می‌توان برنامه‌های پابرجا و انطباق‌پذیر تهیه کرد. در واقع هدف از کاربرد برنامه‌ریزی بر پایه فرض کاهش تعداد «شگفتی‌های اجتناب‌پذیر» است. برنامه‌ریزی بر پایه فرض، چند مزیت نسبی دارد: (۱) برنامه‌ریزی بر پایه فرض در مقایسه با سایر رویکردهای سناریونویسی که سناریوها به شیوه‌ای غیرنظام‌مند و موردی انجام می‌گیرند، سناریوهای مرتبط را به‌طور نظام‌مند تولید می‌کند؛ (۲) برنامه‌ریزی بر پایه فرض بین «پوش محیطی» و برنامه‌ریزی از طریق فهم بهتر و عمیق‌تر محیط و دیده‌بانی آن پیوند منطقی ایجاد می‌کند؛ (۳) برنامه‌ریزی بر پایه فرض اقدامات (سناریوها) را به فرض‌های مشخص مرتبط می‌کند؛ (۴) برنامه‌ریزی بر پایه فرض را می‌توان در مورد همه انواع برنامه‌ها به‌کاربرد. در عین حال برنامه‌ریزی بر پایه فرض از آنجایی که تهدیدها را بهتر از فرصت‌ها می‌شناسد و به هیچ وجه کسی نمی‌تواند ادعا کند که همه فرض‌های برابر را شناسایی کرده است، ضعف‌هایی را نیز در دل روش شناسی خود به همراه دارد (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۲۷).

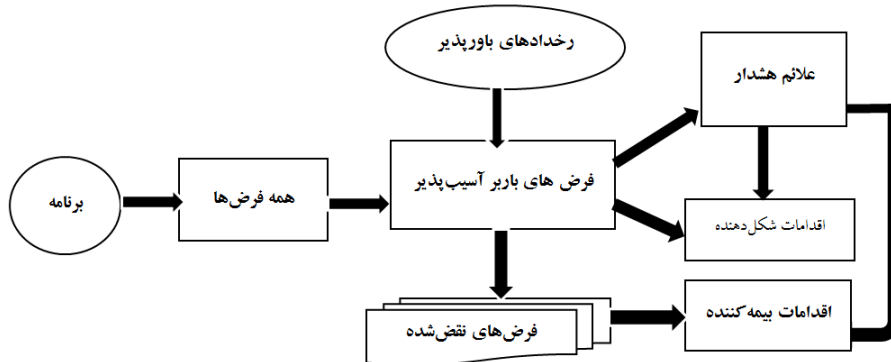
سناریونویسی بر پایه فرض از پنج گام اصلی تشکیل شده است؛ (۱) در مرحله نخست پس از انتخاب موضوع همه فرض‌های موجود در خصوص یک مسأله شناسایی می‌شوند. (۲) دومین گام در برنامه‌ریزی بر پایه فرض، شناسایی آن دسته از مفروضاتی است که موفقیت برنامه به آن‌ها بسیار تکیه دارد، یعنی «فرض‌های برابر<sup>۲</sup>» و هم‌چنین در برابر رویدادهای آینده به شدت

1. Assumption Based Planning
2. Load-bearing

«آسیب پذیر<sup>۱</sup>» هستند. فرض‌هایی که هم برابر باشند و هم آسیب‌پذیر، به احتمال زیاد موجب شگفتی‌های ناخوشایند در مسیر اجرای برنامه می‌شوند. ۳) در گام سوم به شناسایی و دسته‌بندی علائم هشداردهنده<sup>۲</sup> از میان فرض‌های موجود شناسایی شده پرداخته می‌شود. در واقع علائم هشدار، رویدادها یا آستانه‌هایی هستند که اگر تشخیص داده شوند، نشان می‌دهند که یک فرض آسیب‌پذیر نقض شده یا به طرز خطرناکی ضعیف شده است، بنابراین مدیران یا فرماندهان باید به فکر چاره بیفتند. ۴) در گام چهارم اقدامات شکل‌دهنده<sup>۳</sup> از میان فرض‌های شناسایی شده دسته‌بندی می‌شوند و از درستی فرض‌ها حمایت می‌کنند. به بیان دیگر اقداماتی هستند که هدف از انجام آن‌ها کنترل شرایط آینده تا حد امکان است. هدف از طراحی اقدامات شکل‌دهنده نیز افزایش اطمینان از درستی فرض‌ها و انطباق آن‌ها با منافع برنامه‌ریزان است. ۵) در گام پنجم اقدامات بیمه‌کننده<sup>۴</sup> از میان فرض‌های موجود شناسایی شده دسته‌بندی می‌گردند. اقدامات بیمه‌کننده، برنامه‌ریزان را برای شرایطی آماده می‌کند که بعضی از فرض‌های آن‌ها نقض می‌شوند. معمولاً پس از تفکر درباره بعضی از رویدادهای باورکردنی که منجر به نقض فرض‌هایی مشخص می‌شوند، می‌توان پرسید که «امروز چه کار باید کنیم تا در برابر ریسک‌های ناشی از این فرض‌ها بیمه شویم؟» (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۲۲). در شکل شماره ۱ مراحل پنج‌گانه سناریو نویسی بر پایه فرض نمایش داده شده است.

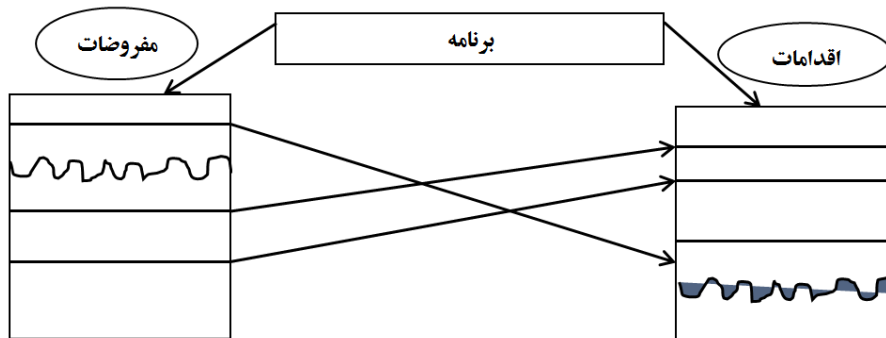
- 
1. Vulnerable
  2. Signposts
  3. Shaping Actions
  4. Hedging Actions





شکل ۱. گام‌های برنامه‌ریزی بر پایه فرض

در مرحله بعد از طی کردن گام‌های پنج‌گانه، به مرحله عقلایی‌سازی برنامه می‌رسیم که هدف اصلی آن، شناسایی و استخراج فرض‌های ضمنی است؛ بدین معنی که هر یک از فرض‌های شناسایی شده و دسته‌بندی شده به هر یک از اقدام‌ها (سناریوها) پیوند می‌خورند؛ گرچه برخی از فرض‌ها درباره آینده آن‌قدر عام هستند که تعداد فراوانی اقدام به آن پیوند می‌خورند، درحالی که برخی اقدام‌ها فقط معطوف به دو - سه مورد از فرض‌ها هستند درعین حال ممکن است که همه فرض‌ها با اقدامات لزوماً پیوند برقرار نکنند. انواع پیوند فرض‌ها با برنامه‌ها را می‌توان در سه دسته فرض‌های خوب پیوندشده، فرض‌های ضعیف پیوندشده و فرض‌های پیوندنشده دسته‌بندی کرد. در شکل ۲ عقلایی‌سازی برنامه به صورت شماتیک نشان داده شده است.



شکل ۲. عقلایی‌سازی برنامه به صورت شماتیک

تفاوت عمده این رویکرد سناریونویسی با سایر رویکردهای موجود آن است که در رویکرد سناریونویسی بر پایه فرض، فرض‌ها پس از شناسایی در مراحل پنج‌گانه تفکیک و دسته‌بندی می‌گردند و در مرحله سناریونویسی هر فرض ممکن است با یک اقدام یا چند اقدام پیوند یابد. در واقع رویکرد مبتنی بر واقع‌گرایی که در تمامی مراحل سناریونویسی بر پایه فرض طی می‌شود از تمایزات این رویکرد با سایر رویکردهای سناریونویسی است.

## یافته‌های پژوهش

### روند پژوهی روابط ایران و آمریکا

#### از آغاز مناسبات ایران و آمریکا تا ۱۳۵۷:

گرچه آغاز مناسبات ایران و آمریکا و برقراری روابط دیپلماتیک به دوره قاجاریه و پس از پایان دوره اول جنگ‌های ایران و روس به‌عنوان متوازن‌کننده نفوذ و قدرت روسیه و انگلیس برمی‌گردد (موجانی، ۱۳۷۴: ۱۷۰-۱۶۹)؛ اما این روابط به‌دلیل عدم تمایل آمریکایی‌ها برای رقابت با روس‌ها و به‌رسمیت‌شناختن نفوذ انگلیسی‌ها در ایران (علی‌بابایی، ۱۳۷۵: ۲۶-۲۴) از سطح ظواهر دیپلماتیک و تأسیس مدارس آمریکایی در ایران (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: ۱۹-۱۰) در این دوره فراتر نرفت. با وجود توجه خاص رضاشاه به آمریکا در اواخر سلطنت خود و واگذاری امتیاز نفت به شرکت امیرانین؛ اما آمریکایی‌ها با مخالفت با فروش تسلیحات به رژیم رضاشاه مخالفت کردند و با اشغال ایران توسط قوای انگلیس و شوروی، آمریکایی‌ها به درخواست رضاشاه در حمایت از او بی‌اعتنایی کرده و سلطنت پهلوی اول با اشغال ایران برچیده شد (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: ۷۶-۶۵).

روابط خارجی ایران و آمریکا در مقطع پهلوی دوم به دو دوره قابل تقسیم است. دوره اول از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ یعنی همزمان با سقوط دولت مصدق شروع می‌شود. دوره دوم از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ قابل بررسی است. در دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، به‌علت اینکه ایرانیان در طول تاریخ معاصر دهه‌های متمادی تحت فشار روس‌ها و انگلیسی‌ها در شمال و جنوب کشور بودند، از ورود قدرت سومی به

منطقه و ایران ناراضی به نظر نمی‌رسیدند چرا که در ذهنیت ایرانی‌ها، آمریکایی‌ها سابقه استعماری از خود برجای نگذاشته بودند؛ اما پس از آگاهی از موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و به بهانه ایجاد کمربند ایمنی به‌خاطر منابع نفتی، منازعه با انگلیسی‌ها را آغاز کردند. از این زمان به بعد آمریکایی‌ها فعالانه درصدد ورود به صحنه سیاسی ایران شدند. به‌دنبال آن آمریکا در راستای دستیابی به اهداف فوق‌العاده یعنی جلوگیری از نفوذ کمونیسم، اصل ۴ ترومن را در دی ماه ۱۳۲۷ اعلام کرد و با ورود شاه به آمریکا در آبان ۱۳۲۸ به‌منظور اعطای وام‌های بیشتر به ایران، عمق روابط دو کشور آغاز شد (محمدی، ۱۳۷۷: ۹۴). پس از همکاری آمریکایی‌ها با انگلیسی‌ها در مخالفت با ملی‌شدن صنعت نفت و با اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توانستند با انعقاد قرارداد کنسرسیوم نفتی یا قرارداد امینی - هوارد پیچ، آمریکایی‌ها به ۴۰ درصد از منابع نفتی ایران دست یافتند.

در دوره دوم (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷) و دولت‌های بعد از کودتا، سطح روابط ایران و آمریکا به یک سطح راهبردی و استراتژیک ارتقا پیدا می‌کند. در دوره نخست‌وزیری فضل‌الله زاهدی (شهریور ۱۳۳۲) و به فاصله چند هفته از کودتا، آیزنهاور رئیس‌جمهور وقت آمریکا کمک فوری ۴۵ میلیون دلاری برای تأمین کسری بودجه ایران اختصاص داده و براساس اصل چهار ترومن، ۴۷ میلیون دلار دیگر به ایران وام اعطا می‌کند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۳: ۲۲). هم‌چنین پس از حل‌وفصل مسأله اختلاف ایران و انگلیس بر سر مسأله نفت با تشکیل کنسرسیوم بین‌المللی نفت با مداخله آمریکایی‌ها که منجر به حاکمیت اصل تنصیف (پنجاه - پنجاه) شد (سمسون، ۱۳۵۶: ۷۰). در سال ۱۳۳۳ با تأسیس صندوق مشترک ایران و آمریکا در جهت کمک به توسعه اقتصادی و صنعتی ایران و انعقاد قرارداد دوستی و روابط اقتصادی، حقوقی و کنسولی که در تهران امضا شد، سطح نهادینگی و تعمیق روابط بین دو کشور فزونی یافت تا به تأسیس ساواک در سال ۱۳۳۵ منجر شد که ایالات متحده و سازمان سیا در تأسیس و سازمان‌دهی آن نقش اساسی داشتند (نجاتی، ۱۳۷۱: ۹۳-۹۲).

گرچه در دوران جانسون به‌علت طرح شعارهای آزادی، آزادی فعالیت‌های سیاسی و

انتخابات، نوساناتی در روابط بین دو کشور به وجود آمد و اعطای وام ۷۵۰ میلیون دلاری به دولت امینی را موکل به اجرای اصلاحات ارضی کرد (روبین، ۱۳۶۳: ۹)؛ اما مجدداً پس از انجام اصلاحات ارضی در قالب انقلاب سفید، شاه و مردم در راستای برآوردن خواست آمریکایی‌ها در دولت جانسون، مجدداً روابط دو کشور ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت که نهایتاً منجر به اعطای مصونیت سیاسی به نظامیان آمریکایی مأمور در ایران و وابستگان آن‌ها شد. محمدرضا شاه که اشتباهی او در انبار کردن سلاح‌های مدرن پایان‌ناپذیر بود، در اوایل دهه ۱۳۵۰ و براساس دکترین نیکسون نقش ژاندارم منطقه را از سوی آمریکایی‌ها برعهده گرفت. پس از روی کار آمدن کارتر به علت درپیش گرفتن سیاست‌ها و مشی حقوق بشری، آشکار شدن فساد و رشوه در معاملات خرید و فروش دولت پهلوی با آمریکایی‌ها و انتقاد دولت کارتر از سیاست‌های اختناق رژیم پهلوی و بالتبع عدم موافقت دولت کارتر با خرید تسلیحات بیشتر از سوی محمدرضاشاه، روابط اقتصادی و تجاری دو کشور رو به سردی گذاشت و بحران اقتصادی در ایران نیز روند سقوط دولت پهلوی را تسریع ساخت (الکساندر و الن، ۱۳۷۸: ۱۰۷).

#### از پیروزی انقلاب اسلامی تا یازده سپتامبر:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، روند جدیدی در تاریخ دیپلماسی ایران آغاز گردید و مبانی و موازین حاکم بر سیاست و روابط خارجی در سطح منطقه و بین‌المللی براساس مبانی «نه شرقی و نه غربی» سامان تازه‌ای گرفت و در نتیجه پیگیری سیاست جدید، برخی از هم‌پیمانان دیرینه و قدیمی رژیم پهلوی در زمره مخالفان و دشمنان نظام جمهوری اسلامی درآمدند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۴). در این میان یکی از چرخش‌های اساسی و مهم سیاست خارجی ایران به تغییر در نوع رابطه نظام انقلابی حاکم بر ایران در ارتباط با ایالات متحده آمریکا بود که جهت‌گیری‌ها و رویدادهای آمریکا و واکنش‌های ایران، مهر پایانی بر رابطه استراتژیک ایران و آمریکا زد، گرچه تا قبل از اشغال سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان، هر چند شعارهایی چون «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» در سطح عمومی جامعه محبوبیت و مقبولیت دارند و استکبارستیزی در بیان رهبران انقلاب علی‌الخصوص امام خمینی نمود داشت؛ اما آمریکا هنوز

به عنوان مظهر تام و کامل طاغوت و استکبار شناخته نمی شود و حتی دولت مردان کشور در قالب دولت موقت به دنبال حفظ و پایایی رابطه با آمریکا بودند (فوزی و پیرزادی، ۱۳۹۷: ۱۵).

اما تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ و گروگان گیری کارمندان آن سبب ساز اقداماتی از سوی آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل در خصوص ایران شد و دولت آمریکا با بلوکه کردن تمامی اموال دولت ایران در آن کشور، تحریم تجاری و قطع روابط دیپلماتیک با ایران، ممنوع کردن فروش سلاح به ایران و هم چنین ممانعت از ارسال محموله های نظامی که رژیم پهلوی آن ها را خریداری کرده بود، سعی در تحت فشار قرار دادن و تنبیه ایران داشت (الکساندر و الن، ۱۳۷۸: ۶۹۲). گرچه اقدامات ایالات متحده آمریکا در واکنش به تسخیر سفارت خانه خود در تهران محدود به این مسائل نشد و دولت کارتر با همکاری شورای امنیت آمریکا، قصد اجرای عملیات غافلگیرانه ای با نام «پنجه عقاب» برای آزادی گروگان های خود و تنبیه ایران داشت و حتی با وجود شکست در این عملیات در تیرماه ۱۳۵۹، به دنبال طراحی و اجرای کودتای «نقاب» از پایگاه نوژه همدان برآمد (برژینسکی، ۱۳۶۲: ۹۵).

پس از حمله صدام حسین به ایران در شهریورماه ۱۳۵۹ و اطمینان از حمایت های آمریکا و متحدانش به واسطه بحران سیاسی در روابط ایران و آن ها در بهمن ماه ۱۳۶۳، وزارت خارجه آمریکا دولت ایران را به عنوان یکی از حامیان تروریسم بین المللی معرفی کرد و در این راستا، دولت های متحد خود را وادار ساخت به بهانه حمایت از تروریسم از فروش نیازهای لجستیک و قطعات و تجهیزات نظامی سبک و سنگین که مورد استفاده ایران در جنگ بود ممانعت به عمل آورند. به علت حملات پی در پی عراق به شهرها و روستاها و همچنین حمله به منابع نفتی (جنگ کشتی ها) و تحریم آمریکا و فرسودگی زرادخانه نظامی ایران و از طرفی هم پیمانی شوروی با عراق که مانع از تأمین سلاح های مورد نیاز ایران از این کشور می شد، همه و همه ایران را در وضعیت بغرنجی قرار داده بودند که این امر مسئولان ایرانی را وادار می کرد تا در سال ۱۳۶۴ برای تأمین تجهیزات مورد نیاز خود راه کارهایی بیندیشند.

هم زمان با وقوع بحران گروگان گیری در لبنان و نیاز آمریکایی ها به وساطت ایران برای رهایی

گروگان‌های خود، یک هیأت عالی‌رتبه آمریکایی در ۴ خرداد ۱۳۶۵ به سرپرستی «رابرت مک‌فارلین» مشاور سابق امنیت ملی آمریکا به همراه هواپیمای حامل سلاح و تجهیزات نظامی به تهران ارسال نمود که علی‌رغم عدم استقبال مقامات رسمی ایران و معطلی پنج روزه در تهران و مذاکره با نمایندگان رده سوم و چهارم دولت ایران، بدون گرفتن هیچ نتیجه‌ای هیأت آمریکایی تهران را ترک می‌کنند. این معامله و ریسک، به موقعیت سیاسی مقامات رسمی و مشاوران ریگان و کابینه وی و حتی به اعتبار شخصی ریگان خسارت غیرقابل جبرانی وارد کرد و درحالی که سیاست اعلامی آمریکا تحریم ایران بود و بدین جهت کشورهای منطقه را به عدم همکاری و نزدیکی با ایران تشویق و حتی تهدید می‌کرد، خود علاوه‌بر ارسال محموله‌ای سلاح به ایران، مشاور امنیت ملی کشورش را برای مذاکره سیاسی به تهران فرستاده بود (بیل، ۱۳۸۶: ۲۰۵).

در سال‌های بعد، ایالات متحده آمریکا برای تحت‌فشار قراردادن ایران و تداوم آن به اعمال تحریم‌های اقتصادی و تجاری دست زد و در ۷ آبان ۱۳۶۶، طبق تصمیم کنگره آمریکا، ورود کالاها و فرآورده‌های آمریکایی به ایران تحریم شد. پس از مداخله مستقیم آمریکایی‌ها در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی در هدف قراردادن ناوهای نظامی ایران و هم‌چنین هدف قراردادن هواپیمای مسافربری ایران، تحریم‌های آمریکایی‌ها تداوم پیدا کرد و بیل کلینتون، رئیس‌جمهور آمریکا هم در سال ۱۳۷۴ با تصویب طرح داماتو، همه شرکت‌های آمریکایی را از سرمایه‌گذاری در توسعه منابع نفتی ایران در جزایر سیری منع کرد. هدف این قانون، مجازات اشخاصی (حقیقی یا حقوقی) است که مستقیماً در بخش نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری‌های عمده می‌کنند.

#### پس از حادثه یازده سپتامبر:

نوام چامسکی بر این باور است که یازده سپتامبر مبدأ تحولات پیچیده‌ای در روابط میان کشورهای پیشرفته مخصوصاً ایالات متحده آمریکا و ملل جهان سوم گردید که از جمله آن می‌توان به حمله تمام‌عیار به افغانستان و سپس عراق نام برد (چامسکی، ۱۳۸۱: ۲۰). حملات یازده سپتامبر و تحولات و ضرورت‌های ناشی از جنگ با تروریسم، واشنگتن را ناگزیر به ارزیابی سیاست خارجی خود نمود. سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا تا مدت‌ها معطوف به حمایت و

پشتیبانی از حکومت‌های اقتدارگرا اما هم‌پیمان و حافظ منافع واشنگتن در منطقه بود. حفظ ثبات، به‌عنوان محور اصلی این رویکرد، شاکله سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا را تشکیل می‌داد. با تقویت و تحرک بیشتر گرایش‌های ضدآمریکایی و وقوع حملات یازده سپتامبر در خاک آمریکا، سیاست‌مداران کاخ سفید به سمت اتخاذ رویکرد امنیتی به‌جای حفظ ثبات در منطقه تغییر جهت دادند (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۵) و در نتیجه در دوران جدید، با امنیتی‌شدن فضای بین‌المللی و بالتبع محیط بین‌المللی و با افزایش قدرت سخت‌افزاری آمریکا، دیپلماسی در پرتو قدرت به ابزاری برای کسب اهداف و منافع استراتژیک تبدیل شده است (متقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲). یازده سپتامبر تعریف آمریکا را از نقش جهانی خود دگرگون کرد و زمینه را برای رفتار کاملاً هژمونیک‌گرایانه آمریکا و استفاده از زور در سلاح جهانی آماده ساخت. مبارزه با تروریسم این فرصت را برای آمریکایی‌ها فراهم کرد تا به شدت و وحدت بیشتری نظم نوین جهانی را دنبال کنند و هژمونی به چالش کشیده خود را بازسازی نمایند (یزدانی و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۵).

به‌علت اینکه ایران بعد از حادثه یازده سپتامبر، در صحنه منطقه‌ای، نقش فعال‌تری درخصوص بحران‌های منطقه ایفا می‌کرد، زمینه‌هایی برای همکاری محدود و مشروط ایران و آمریکا در بحران‌های منطقه‌ای به‌وجود آمد که مهم‌ترین همکاری و نزدیکی ایران و آمریکا در جریان بحران افغانستان نمود یافت؛ اما با این وجود بین ایران و آمریکا تعارض منافع جدی هم وجود داشت و در کنار این همکاری محدود بعد از حادثه یازده سپتامبر، جورج بوش ایران را در کنار عراق و کره شمالی محور شرارت قرار داد و در واکنش به این اقدامات آمریکا، مقامات بلندمرتبه ایرانی اعم از رهبری و ریاست جمهوری و مجلس، ضمن متهم کردن آمریکا به اتخاذ یک رویکرد متجاوزگرانه علیه ایران، هرگونه مذاکره با آمریکا یا گسترش روابط را مردود اعلام کردند (شفیعی فر، ۱۳۸۱: ۳۸).

با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد و اولویت قراردادن «برنامه‌های هسته‌ای» در صدر برنامه‌های سیاست خارجی ایران، روابط ایران و آمریکا هم تحت تأثیر این مسأله قرار گرفت. مذاکرات مستقیم و محدود نمایندگان دو کشور در عراق بر سر مسائل امنیتی عراق نیز نتوانست

تأثیری بر نزدیک شدن دیدگاه‌های دو کشور نسبت به یکدیگر شود. آمریکا در این زمان ایران را دائماً به حمایت و ارائه پشتیبانی تسلیحاتی به گروه‌های مخالف حضور نظامی آمریکا در عراق متهم می‌کرد، بنابراین در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد که بخشی از آن همزمان با دولت دموکرات اوباما در آمریکا بود، به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، فعالیت‌های موشکی، منطقه‌ای و ...، تحریم‌های مختلفی از جانب آمریکا متوجه ایران شد و هیچ ارتباط و مرواده سازنده‌ای بین این دو کشور صورت نگرفت.

با روی کار آمدن دولت بعدی به ریاست جمهوری حسن روحانی و تأکید ایشان بر اعتدال‌گرایی، تعامل مؤثر و سازنده با جهان در سیاست خارجی و امضای توافق‌نامه برجام که آمریکایی‌ها نیز یکی از متعاهدین آن در دولت اوباما بودند، سیاست تعامل محدود پیگیری می‌شد؛ اما با روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا و خروج رسمی و یک‌جانبه آمریکا از توافق‌نامه برجام، ایران شاهد سنگین‌ترین تحریم‌های بین‌المللی بود و از آن زمان تا به امروز، آمریکا، دولت ایران را تحت فشار سخت‌ترین تحریم‌ها قرار داده است و هیچ‌گونه مذاکره‌ای که دستاوردی برای بهبود رابطه بین دو کشور داشته باشد روی نداد.

## سناریونویسی روابط ایران و آمریکا بر پایه فرض

### گام اول: شناسایی همه فرض‌ها

برای اجرای گام اول در جهت شناسایی فرض‌های موجود در خصوص رابطه ایران و آمریکا از پنل خبرگانی و با اجرای روش طوفان فکری استفاده شده است؛ بدین صورت که از پنج نفر از افراد خبره و صاحب اثر دعوت به عمل آورده شد و از آن‌ها درخواست گردید تا در خصوص موضوع «فرض‌های روابط ایران و آمریکا»، نظرات و ایده‌های خود را بدون محدودیت و فارغ از هرگونه داوری ارزشی سایر اعضای شرکت‌کننده بیان کنند. پس از اخذ همه نظرات خبرگان و نگارش آن‌ها تمامی ایده‌ها و نظرات جمع‌آوری شده، تعداد ۸۰ فرض اولیه در معرض نگاه افراد شرکت‌کننده قرار گرفت و پس از ادغام فرض‌هایی که هم‌پوشانی داشتند، از آن‌ها خواسته شد تا براساس بینش و دانش خود در خصوص فرض‌هایی که ممکن است در آینده، روابط ایران و



ایالات متحده آمریکا شکل دهد و اثرگذار باشد، با ارزش عددی ۱ تا ۵ شناسایی کنند؛ بدین صورت که عدد ۱ کمترین ارزش برای هر فرض و ایده و عدد ۵ بیشترین ارزش در میان ایده‌ها تعلق می‌گیرد. فرض‌هایی که درخصوص موضوع مورد نظر پژوهش (رابطه ایران و آمریکا) بیشترین امتیاز را کسب کرده بودند، پس از جمع‌بندی امتیازات و ارائه مجدد آن‌ها به نخبگان جهت قضاوت با تأیید همه افراد شرکت‌کننده به‌عنوان فرض‌های اصلی انتخاب شدند که در جدول زیر فرض‌های مورد اجماع خبرگان آورده شده است.

### جدول ۱. شناسایی فرض‌های روابط ایران و آمریکا

فرض‌های رابطه ایران و ایالات متحده آمریکا	
(۱) همکاری منطقه‌ای ایران و ایالات متحده در مسائل منطقه‌ای	(۲) تداوم جنگ‌های نیابتی ایران و آمریکا در منطقه
(۳) روی کارآمدن دولت و مجلس دموکرات در ایالات متحده آمریکا	(۴) حل و فصل دعوی و اختلافات ایران و آمریکا از طریق مراجع بین‌المللی (حقوق بشر، اموال بلوکه‌شده ایران و ...)
(۵) روی کارآمدن همزمان دولت و مجلس میانه‌رو در ایران	(۶) تداوم منازعه بلا تکلیف ماندن دعوی ایران و آمریکا
(۷) روی کارآمدن هم‌زمان دولت و مجالس جمهوری خواه در آمریکا	(۸) افزایش منازعه بر سر مسأله هسته‌ای و حمله محدود به نیروگاه‌های هسته‌ای ایران
(۹) روی کارآمدن همزمان دولت و مجلس انقلابی و اصولگرا در ایران	(۱۰) تداوم آسیب‌رسانی، حملات سایبری و ترور دانشمندان هسته‌ای و دفاعی ایران
(۱۱) معامله بزرگ ایران و آمریکا در آینده (تعدیل منافع، کاهش تنش)	(۱۲) پذیرش ایران هسته‌ای در چارچوب مقررات بین‌المللی
(۱۳) میانجی‌گری کشورهای عربی منطقه و غربی در روابط دو جانبه	(۱۴) تعدیل و تغییر مواضع ایران درخصوص بحران فلسطین و محور مقاومت
(۱۵) اقدامات تنش‌زای کشورهای عربی منطقه و غربی در روابط دو کشور ایران و آمریکا	(۱۶) ناامن‌سازی محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی توسط آمریکا
(۱۷) انتخاب راه‌حل مصالحه و گفت‌وگو توسط ایران	(۱۸) برقراری مناسبات دیپلماتیک بین دو کشور در بالاترین سطح

فرض‌های رابطه ایران و ایالات متحده آمریکا	
۱۹) انتخاب راه‌حل مذاکره بی‌قید و شرط و از موضع احترام توسط آمریکایی‌ها	۲۰) تداوم قطع مناسبات و ارتباطات دیپلماتیک مستقیم بین دو کشور
۲۱) تغییر رویکرد و ماهیت سیاست خارجی ایران (توسعه‌گرای منفعت‌محور)	۲۲) تشدید سازه‌های تأثیرگذار ذهنی - هویتی فرهنگ سیاسی تشیع بر سیاست خارجی ایران (قراردادن اسلام سیاسی در برابر لیبرال دموکراسی)
۲۳) تغییر در رویکرد و رفتار سیاست خارجی آمریکا و پرهیز از سلطه‌طلبی و زیاده‌خواهی	۲۴) تعدیل سازه‌های تأثیرگذار ذهنی - هویتی فرهنگ سیاسی تشیع بر سیاست خارجی ایران (تغییرات درونی افکار نظام سیاسی در ایران)
۲۵) تداوم استراتژی مقاومت فعالانه ایران در برابر تحریم‌ها	۲۶) نیاز غرب و ایالات متحده به تأمین انرژی و امنیت آن
۲۷) کنار گذاشتن رویکرد مقاومت فعالانه ایران و برگزیدن استراتژی تسلیم	۲۸) حرکت ایران به سمت و سوی سلاح‌های غیرمتعارف دسته‌جمعی
۲۹) افزایش قدرت سخت و نرم جمهوری اسلامی در سطح منطقه و بین‌الملل و توازن قدرت	۳۰) متحدشدن تمامی کشورهای منطقه خلیج فارس با آمریکا علیه ایران
۳۱) کاهش و تعدیل نقش اسرائیل در سیاست منطقه‌ای آمریکا	۳۲) پیگیری سیاست انتقامی ایران در سطح منطقه و بین‌المللی از آمریکا
۳۳) تداوم ذهنیت تاریخی ایرانیان و بدگمانی نسبت به ایالات متحده آمریکا	۳۴) اقدام آمریکا به ترور فرماندهان و سیاست‌مداران ایرانی
۳۵) اصلاح ذهنیت تاریخی بی‌اعتمادی ایرانیان نسبت به ایالات متحده آمریکا	۳۶) واکنش مستقیم ایران به کنش‌های آمریکا (همانند حمله به عین‌الاسد)
۳۷) نقض عهدها و عدم پای‌بندی آمریکایی‌ها به تعهدات دو و چندجانبه	۳۸) نقش‌سازنده رهبران دو کشور در پیگیری مصالحه و مذاکره
۳۹) اصلاح رویکرد آمریکایی‌ها در ارتباط با نقض عهدها و توافق‌نامه‌ها	۴۰) مخالفت رهبران دو کشور در پیگیری مصالحه و مذاکره
۴۱) افزایش تحریم‌های تجاری و تسلیحاتی آمریکا علیه ایران	۴۲) نقش‌سازنده اتاق‌های فکر، لابی‌ها و گروه‌های فشار در دو کشور

فرض‌های رابطه ایران و ایالات متحده آمریکا	
۴۳) کاهش مقطعی فشارها و تحریم‌ها از سوی ایالات متحده آمریکا علیه ایران	۴۴) مخالفت اتاق‌های فکر، لابی‌ها و گروه‌های فشار در دو کشور
۴۵) شکست سیاست تحریمی ایالات متحده در ارتباط با ایران	۴۶) افزایش اقدامات مخرب آمریکایی‌ها (قراردادن نام نیروهای مسلح در لیست گروه‌های تروریستی و حمایت از اپوزسیون و براندازان)
۴۷) موفقیت آمریکا در اعمال سیاست تحریم و فشار حداکثری علیه ایران	۴۸) کاهش رفتار مخرب آمریکایی‌ها در ارتباط با ایران
۴۹) تلاش برای تضعیف حاکمیت ملی ایران، براندازی و انزوای بین‌المللی	۵۰) تداوم نظم فعلی بین‌المللی (هژمون‌گرایی و سلطه‌طلبی آمریکایی و عدم پذیرش و تحمل قدرت‌های مستقل)
۵۱) ارائه مشوق‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا و غرب به ایران جهت ادغام در نظام جهانی	۵۲) تغییر نظم فعلی بین‌المللی و شکل‌گیری بلوک‌های قدرت
۵۳) افزایش و تشدید فعالیت‌های هسته‌ای ایران و غنی‌سازی بیشتر	۵۴) به‌رسمیت‌شناختن قدرت منطقه‌ای ایران و کاهش تضادهای ژئوپلیتیک
۵۵) تعدیل یا کناره‌نهادن فعالیت‌های هسته‌ای، حقوق بشر، تروریسم و ... مطابق با خواست غربی‌ها	۵۶) افزایش چالش‌ها بر سر قدرت منطقه‌ای ایران و نفوذ ایران در منطقه
۵۷) افزایش نقش اسرائیل و لابی‌های صهیونیستی در جهت‌دهی و اثرگذاری بر سیاست‌های آمریکا علیه ایران	۵۸) تداوم مخالفت ایران بر سر طرح معامله قرن (صلح اعراب و اسرائیل)
۵۹) نقش سازنده و مصالحه‌جویانه قدرت‌های جهانی (چین و روسیه) در تنظیم روابط دو کشور	۶۰) روی آوردن ایران به مصالحه ناشی از فشارهای اقتصادی و فروپاشی اقتصاد کشور

### گام دوم: شناسایی فرض‌های باربر

دومین گام در برنامه ریزی بر پایه فرض، شناسایی آن‌دسته از فرض‌هایی است که موفقیت برنامه به آن‌ها بسیار تکیه دارد؛ یعنی «فرض‌های باربر» که در برابر رویدادهای آینده به شدت «آسیب‌پذیر» هستند. یک فرض باربر است؛ اگر، نقض شدن آن موجب شود که انجام تغییرات عمده در برنامه‌های سازمان ضرورت پیدا کند. برای اعمال تعریف باربری کافی است بررسی

کنیم چه اتفاقی می افتد؟ بدین منظور بدترین حالت را در نظر گرفته و پیامدهای ظهور این بدترین حالت را تجسم کنید. اگر این پیامدها بدان معنی است که تغییرات عمده در برنامه ریزی ضروری خواهد بود، آن گاه فرض مذکور باربر تلقی می شود. قضاوت درباره باربری فرض ها مستلزم این است که درباره دو مؤلفه اساسی قضاوت کنیم: پیامدهای نقض فرض چیست؟ با توجه به چنین پیامدهایی آیا اعمال تغییرات عمده در برنامه لازم خواهد بود یا نه؟ (رودپشتی و شرین بیان، ۱۳۹۵: ۱۲).

### جدول ۲. شناسایی فرض های باربر شکل دهنده به رابطه ایران و آمریکا

فرض های باربر روابط ایران و آمریکا
وقوع فرض های «۳» «۱۲» «۱۳» «۱۷» «۱۸» «۱۹» «۲۱» «۲۳» «۳۱» «۳۹» «۴۵» «۴۸» «۵۱» «۵۴» و «۵۹»

### گام سوم: شناسایی علائم هشدار

از علائم هشدار می توان برای پایش فرض هایی استفاده کرد که احتمالاً موجب ظهور شگفتی خواهد شد. در واقع علائم هشدار، رویدادها یا آستانه هایی هستند که اگر تشخیص داده شوند، نشان می دهند که یک فرض آسیب پذیر نقض شده یا به طرز خطرناکی ضعیف شده است، باید برنامه ریزان، مدیران و فرماندهان به فکر چاره بیفتند (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

### جدول ۳. شناسایی علائم هشدار روابط ایران و آمریکا

علائم هشدار دهنده رابطه ایران و آمریکا
وقوع فرض های «۲» «۶» «۷» «۸» «۱۰» «۱۵» «۱۶» «۲۲» «۲۵» «۲۸» «۲۹» «۳۰» «۳۲» «۳۳» «۳۴» «۳۶» «۳۷» «۴۰» «۴۱» «۴۴» «۴۶» «۴۷» «۴۸» «۴۹» «۵۰» «۵۳» «۵۶» «۵۷» «۵۸» و «۶۰»

### گام چهارم: اقدامات شکل دهنده

از درستی فرض ها حمایت می کنند؛ به بیان دیگر اقداماتی هستند که هدف از انجام آنها، کنترل شرایط آینده تا حد امکان است. معمولاً اکثر برنامه ریزان کاملاً به این موضوع واقفند که یک فرض مشخص چگونه مطابق میل آنها ظهور می کند. هدف از طراحی اقدامات شکل دهنده

افزایش اطمینان از درستی فرض‌ها و انطباق آن‌ها با منافع برنامه‌ریزان است (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

#### جدول ۴. اقدامات شکل‌دهنده به روابط ایران و آمریکا

اقدامات شکل‌دهنده روابط ایران و آمریکا
وقوع فرض‌های شماره «۱» «۳» «۱۲» «۱۳» «۱۴» «۱۷» «۱۸» «۱۹» «۲۱» «۲۳» «۲۶» «۲۹» «۳۱» «۳۸» «۳۹» «۴۲» «۴۳» «۴۵» «۴۸» «۵۱» «۵۴» «۵۵» و «۵۹»

#### گام پنجم: اقدامات بیمه‌کننده

اقدامات بیمه‌کننده، برنامه‌ریزان را برای شرایطی آماده می‌کند که بعضی از فرض‌های آن‌ها نقض می‌شوند. معمولاً پس از تفکر درباره رویداد، بعضی «سناریوهای» باورکردنی منجر به نقض فرض‌هایی مشخص می‌شوند. می‌توان پرسید که «امروز» چه کار باید کنیم تا در برابر ریسک‌های ناشی از این فرض‌ها بیمه شویم (علیزاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۴۴).

#### جدول ۵. اقدامات بیمه‌کننده رابطه ایران و آمریکا

اقدامات بیمه‌کننده رابطه ایران و آمریکا
وقوع فرض‌های شماره «۴» «۱۱» «۲۱» «۲۳» «۲۴» «۲۹» «۳۵» «۴۵» «۵۱» «۵۲»

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

#### عقلایی‌سازی برنامه‌ها و فرض‌ها و استخراج سناریوها:

براساس رویکرد سناریونویسی برپایه فرض بعد از استخراج و دسته‌بندی فرض‌ها، به مرحله عقلایی‌سازی برنامه‌ها دست خواهیم زد؛ به همین منظور از دل فرض‌ها و پیوند و ارتباط آن با اقدام‌ها سه سناریوی پابرجا برای آینده روابط ایران و ایالات متحده آمریکا در افق پنج ساله ترسیم گردیده است. سناریوها براساس وضعیت پایداری و ناپایداری هریک از فرض‌ها در زمان فعلی و

احتمالات مربوط به آینده توسط نخبگان ارزیابی شدند. ارجح ترین سناریو با توجه به تعداد فرض‌های موجود و پایداری و ناپایداری آن‌ها که بخش عمده‌ای از فرض‌ها را تشکیل می‌دهد، افزایش رقابت و دشمنی بین دو کشور در افق بازه زمانی پنج ساله پیش رو است. پایداری فرض‌ها به شکل نمادی ✓ و ناپایداری آن‌ها هم به صورت ✗ نشان داده می‌شوند.

#### جدول ۶. سناریوی ارجح آینده روابط ایران و آمریکا

سناریوی ارجح آینده روابط ایران و آمریکا مبتنی بر رویکرد فرض در افق پنج ساله ۲۰۲۲-۲۰۲۷		
سناریو	اقدام‌ها (فرض‌ها)	پیش‌بینی وضعیت پایداری یا ناپایداری فعلی و آینده فرض
افزایش رقابت و دشمنی	افزایش اقدامات تنش‌زای کشورهای منطقه، غربی و متحدان آمریکا در روابط دو کشور	✓
	تداوم رویکرد پایداری و مقاومت فعالانه ایران در برابر تحریم‌ها	✓
	افزایش نقض عهدها و عدم پای‌بندی آمریکایی‌ها به تعهدات دو و چندجانبه	✓
	تداوم جنگ‌های نیابتی ایران و آمریکا در منطقه	✓
	افزایش منازعه بر سر مسأله هسته‌ای و احتمال حمله محدود به نیروگاه‌های هسته‌ای ایران	✓
	ناامن‌سازی محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی توسط آمریکا	✓
	تشدید سازه‌های تأثیرگذار ذهنی - هویتی فرهنگ سیاسی تشیع بر سیاست خارجی ایران	✓
	افزایش تحریم‌های تجاری و تسلیحاتی آمریکا علیه ایران	✓
	موفقیت آمریکا در اعمال سیاست تحریم و فشار حداکثری علیه ایران	✗
	تلاش برای تضعیف حاکمیت ملی ایران، براندازی و انزوای بین‌المللی	✓
	افزایش و تشدید فعالیت‌های هسته‌ای ایران و غنی‌سازی بیشتر	✓
	افزایش نقش اسرائیل و لابی‌های صهیونیستی در جهت‌دهی و اثرگذاری بر سیاست‌های آمریکا علیه ایران	✓

✓	مخالفت اتاق‌های فکر، لابی‌ها و گروه‌های فشار در دو کشور	
✓	تداوم نظم فعلی بین‌المللی (هژمون‌گرایی آمریکایی، سلطه‌طلبی و ...)	
✓	تداوم مخالفت ایران بر سر طرح معامله قرن (صلح اعراب و اسرائیل)	
✓	افزایش قدرت سخت و نرم جمهوری اسلامی در سطح منطقه و بین‌الملل	
✓	تداوم ذهنیت تاریخی ایرانیان و بدگمانی نسبت به ایالات متحده آمریکا	
	<b>پیش‌بینی وضعیت پایداری یا ناپایداری فعلی و آینده فرض</b>	<b>سناریو</b>
	<b>اقدام‌ها (فرض‌ها)</b>	
✓	تداوم منازعه و بلا تکلیف ماندن دعاوی ایران و آمریکا	افزایش رقابت و دشمنی
✓	تداوم آسیب‌رسانی، حملات سایبری و ترور دانشمندان هسته‌ای و دفاعی ایران	
✓	تداوم قطع مناسبات و ارتباطات دیپلماتیک مستقیم بین دو کشور	
✗	احتمال حرکت ایران به سمت و سوی سلاح‌های غیرمتعارف دسته‌جمعی	
✓	متحدشدن تمامی کشورهای منطقه خلیج فارس با آمریکا علیه ایران	
✓	پیگیری سیاست انتقامی ایران در سطح منطقه و بین‌المللی از آمریکا	
✓	اقدام آمریکا به ترور فرماندهان نظامی و سیاست‌مداران ایرانی	
✓	واکنش مستقیم ایران به کنش‌های آمریکا (همانند حمله به عین‌الاسد)	
✓	مخالفت رهبران دو کشور در پیگیری مصالحه و مذاکره	
✓	افزایش اقدامات مخرب آمریکایی‌ها (قراردادن نام نیروهای مسلح در لیست گروه‌های تروریستی و حمایت از اپوزسیون و براندازان)	

سناریوی دوم پیش روی روابط ایران و ایالات متحده براساس فرض‌های موجود تعامل محدود و مشروط است. فرض‌ها و اقداماتی که با سناریوی موجود پیوند خورده‌اند احصاشده و در

قالب جدول شماره به نمایش درآمده است. وضعیت پایداری و ناپایداری فرض‌ها بیانگر آن است که احتمال وقوع این سناریو در افق پنج ساله پیش رو بسیار ضعیف است.

**جدول ۷. سناریوی ممکن آینده روابط ایران و آمریکا**

سناریوی ممکن آینده روابط ایران و آمریکا مبتنی بر رویکرد فرض		
سناریو	اقدام‌ها (فرض‌ها)	پیش‌بینی وضعیت پایداری یا ناپایداری فعلی و آینده فرض
تکامل محدود و غیرقابل	همکاری منطقه‌ای ایران و ایالات متحده در مسائل منطقه‌ای	×
	روی کارآمدن دولت و مجلس دموکرات در ایالات متحده آمریکا	✓
	روی کارآمدن هم‌زمان دولت و مجلس میانه‌رو در ایران	×
	معامله بزرگ ایران و آمریکا در آینده (تعدیل منافع، کاهش تنش)	×
	میانجی‌گری کشورهای منطقه و غربی در روابط دوجانبه	×
	انتخاب راه‌حل مصالحه و گفت‌وگو توسط ایران	×
	تغییر در رویکرد و رفتار سیاست خارجی آمریکا و پرهیز از زیاده‌خواهی	×
	اصلاح رویکرد آمریکایی‌ها در ارتباط با نقض عهدها و توافق‌نامه‌ها	×
	برقراری مناسبات دیپلماتیک بین دو کشور در بالاترین سطح	×
	به‌رسمیت شناختن قدرت منطقه‌ای ایران و کاهش تضادهای ژئوپلتیک	×
	کاهش رفتار مخرب آمریکایی‌ها در ارتباط با ایران	×
	افزایش قدرت سخت و نرم جمهوری اسلامی در سطح منطقه و بین‌الملل	✓
	انتخاب راه‌حل مذاکره بی‌قید و شرط و از موضع احترام توسط آمریکایی‌ها	×
	تغییر رویکرد و ماهیت سیاست خارجی ایران (توسعه‌گرای منفعت‌محور)	×
	پذیرش ایران هسته‌ای در چارچوب مقررات بین‌المللی	×
	شکست سیاست تحریمی ایالات متحده در ارتباط با ایران	✓
	ارائه مشوق‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا به ایران جهت ادغام در نظام جهانی	×
	کاهش و تعدیل نقش اسرائیل در سیاست منطقه‌ای آمریکا	×



×	نقش سازنده و مصالحه‌جویانه قدرت‌های جهانی (چین و روسیه) در تنظیم روابط دو کشور
✓	روی آوردن ایران به مصالحه ناشی از فشارهای اقتصادی و فروپاشی اقتصاد کشور

سناریوی سوم که سناریوی محتمل پیش روی روابط ایران و ایالات متحده آمریکا در افق پنج ساله است، سناریوی مصالحه و سازش است. در این سناریو علاوه بر اینکه اقدامات شکل‌دهنده و فرض‌های باربر روابط دو کشور وجود داشته باشند، فرض‌های بیمه‌کننده روابط بین دو کشور نیز باید وضعیت مطلوبی داشته باشند، در غیر این صورت تحقق این سناریو فقط با وقوع پیشران شکستی‌سازی همانند فروپاشی درونی یکی از دو بازیگر به وقوع خواهد پیوست.

#### جدول ۸. سناریوی محتمل آینده روابط ایران و آمریکا

سناریوی محتمل آینده روابط ایران و آمریکا مبتنی بر رویکرد فرض		
سناریو	اقدام‌ها (فرض‌ها)	پیش‌بینی وضعیت پایداری یا ناپایداری فعلی و آینده فرض
مصالحه و سازش	اگر معامله بزرگ ایران و آمریکا در آینده اتفاق افتد.	×
	اگر چنانچه تضادهای ایدئولوژیک کاهش یابد.	×
	اگر در رویکرد و رفتار سیاست خارجی آمریکا تغییر اساسی روی دهد	×
	اگر قدرت سخت و نرم جمهوری اسلامی برای برقراری توازن قدرت افزایش یابد.	×
	اگر رویکرد و ماهیت سیاست خارجی ایران تغییر کند.	×
	اگر سیاست تحریمی ایالات متحده در ارتباط با ایران با شکست مواجه شود.	×
	اگر ذهنیت تاریخی بی‌اعتمادی ایرانیان نسبت به ایالات متحده آمریکا اصلاح شود	×
	اگر سازه‌های تأثیرگذار ذهنی - هویتی فرهنگ سیاسی تشیع بر سیاست خارجی ایران تعدیل شود.	×
	اگر دعاوی و اختلافات ایران و آمریکا از طریق مراجع بین‌المللی	×

حل و فصل شوند		
x	اگر مشوق‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا و غرب به ایران جهت ادغام در نظام جهانی ارائه شود.	
سناریو	اقدامها (فرض‌ها)	پیش‌بینی وضعیت پایداری یا ناپایداری فعلی و آینده فرض
مصلحه و سازش	اگر تغییر نظم فعلی بین‌المللی و شکل‌گیری بلوک‌های قدرت انجام شود	x
	نقش سازنده و مصالحه‌جویانه قدرت‌های جهانی (چین و روسیه) در تنظیم روابط دو کشور	x
	روی آوردن ایران به مصالحه ناشی از فشارهای اقتصادی و فروپاشی اقتصاد کشور	✓

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

می‌توان گفت مسأله روابط ایران و ایالات متحده آمریکا و متغیرهای شکل دهنده به آن در حال حاضر و هم‌چنین آینده آن، یکی از چالش‌های اساسی در دستگاه سیاست خارجی هر دو کشور بوده است. بنابر اهمیت این مسأله و ضرورت آن در پژوهش پیش روی براساس رویکرد سناریونویسی بر پایه فرض و از طریق پندل خبرگانی و با بهره‌گیری از روش طوفان مغزی، سعی بر آن گردیده که به این پرسش داده شود که چه سناریوهایی را می‌توان برای آینده روابط دو کشور در افق زمانی پنج ساله ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۷ ترسیم کرد؟ پس از انجام روند پژوهی روابط ایران و آمریکا به همین منظور، تعداد ۵ نفر از خبرگان دانشگاهی انتخاب و از آن‌ها خواسته شد تا در گام اول، تمامی فرض‌های موجود در روابط بین دو کشور را شناسایی نمایند. پس از شناسایی فرض‌ها براساس رویکرد سناریونویسی بر پایه فرض در چهار گروه (فرض‌های باربر، اقدامات شکل دهنده، علائم هشدار و اقدامات بیمه‌کننده) با مراجعه مجدد به نظر خبرگان دسته‌بندی گردید. در مرحله عقلایی‌سازی فرض‌ها و برنامه‌ها با استفاده از چهار عامل خبرگی، شواهد، خلاقیت و تعامل و با توجه به پیوند فرض‌ها و اقدامات با یکدیگر سه سناریوی ارجح (افزایش دشمنی و رقابت بین دو

کشور) سناریوی ممکن (تعامل محدود و مشروط) و سناریوی محتمل (مصالحه و سازش) به دست آمد.

با توجه به فرض‌های موجود و ارزیابی وضعیت پایداری و ناپایداری آن‌ها در حال حاضر و آینده، ارجح‌ترین سناریو در روابط بین دو کشور در افق زمانی پنج ساله پیش رو، افزایش دشمنی و مصالحه‌ناپذیری دو کشور خواهد بود. علائم هشدار که زمینه عینیت‌بخشیدن به این سناریو است و شامل بیشترین تعداد فرض‌ها را نیز شده است، بیانگر آن است که شرایط برای بهبود روابط بین دو کشور مهیا نبوده و براساس ارزیابی وضعیت فعلی و آینده فرض‌ها، شاهد افزایش رقابت و دشمنی و تنش بین دو کشور در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، ایدئولوژیکی و ... خواهیم بود.

هم‌چنین باید یادآور شد که براساس وضعیت فرض‌های باربر، اقدامات شکل‌دهنده و بیمه‌کننده و ارزیابی وضعیت آن‌ها در حال حاضر و در افق پنج ساله تحقق سناریوهای ممکن و محتمل بسیار ضعیف به نظر می‌رسند؛ چون برای تحقق سناریوی ممکن (تعامل محدود و مشروط) هیچ علامت و نشانه میدانی مثبتی برای بهبود وضعیت اقدامات شکل‌دهنده و فرض‌های باربر در روابط بین دو کشور مشاهده نمی‌شود و برای تحقق و به‌عینیت پیوستن سناریوی سوم (مصالحه و سازش) در روابط بین دو کشور که باید علاوه بر اینکه وضعیت اقدامات شکل‌دهنده و فرض‌های باربر بهبود نسبی پیدا کرده باشند، اقدامات بیمه‌کننده در شرایط مطلوبی قرار گیرند. رصد آن‌ها بیانگر این مسأله است که در این خصوص هم نشانه مثبتی دیده نمی‌شود و نمی‌توان چشم‌انداز مثبتی مبتنی بر سناریوی دوم و سوم در روابط بین دو کشور تعریف کرد.

به منظور طراحی راهبردها و برنامه‌ریزی‌های پابرجا و جلوگیری از غافلگیری در مواجهه با شرایط آینده در روابط ایران و ایالات متحده، بیان چند نکته اساسی ضرورت دارد:

۱. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که وزن علائم هشدار در روابط بین دو کشور به مراتب بسیار بیشتر از وزن اقدامات شکل‌دهنده، بیمه‌کننده و فرض‌های باربر در روابط بین دو کشور ایران و آمریکا است؛ بنابراین افزایش تنش در روابط بین دو کشور در

حوزه‌های متعدد امری حتمی است. می‌تولد برای جلوگیری از افزایش بیش از حد تنش‌ها بین دو کشور و رسیدن بحران به نقطه غیرقابل بازگشت حتی در صورت انجام نشدن هرگونه مذاکره مستقیم دو کشور منافع خود را تعدیل و به کاهش تنش‌ها حتی برای افق‌های زمانی محدود اقدام کنند.

۲. وجه اشتراک تحقق هر سه سناریو ترسیم شده که می‌توان از آن برای برنامه‌ریزی پابرجا استفاده کرد را می‌توان در دو مسأله (شکست سیاست فشار حداکثری و تحریمی آمریکایی‌ها و در مقابل افزایش قدرت سخت و نرم نظام جمهوری اسلامی ایران به جهت برقراری توازن قدرت) دانست. ضمن مدیریت تنش‌ها در روابط بین دو کشور در افق پنج ساله پیش رو به نظر می‌رسد که اگر دو کشور در آینده به سمت و سوی سناریوی ممکن و محتمل هم بخواهند حرکت نمایند، تحقق این دو مسأله یعنی شکست سیاست تحریمی آمریکایی‌ها و افزایش قدرت سخت و نرم ایران برای برقراری توازن قدرت امری ضروری باشد.

۳. مسأله دیگری که توجه به آن لازم و ضروری است، آمادگی سیاست‌مداران و هیئت حاکمه نظام جمهوری اسلامی ایران و داشتن راهبردهای منسجم و برنامه‌های ازپیش طراحی شده بخصوص برای تداوم سناریوی ارجح است. در غیر این صورت ممکن است فرض‌های آسیب‌پذیر و علائم هشدار منجر به بروز شکفتی‌های اجتناب‌ناپذیر در مسأله مناسبات ایران و آمریکا گردند.

## منابع

- اساکول، پی (۱۳۸۴)، روش‌های مطالعات آینده‌پژوهی، ترجمه سعید خزایی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و صنایع دفاعی.
- برزنونی، محمدعلی؛ فرهادی، فرشید (۱۳۹۹)، آینده‌پژوهی راهبردی آمریکا برای مقابله با ایران برپایه سناریونویسی، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۳(۴۶).
- برژینسکی، زبگنیو (۱۳۶۲)، سقوط شاه، جان گروگان‌ها و منافع ملی، ترجمه منوچهر یزدانیار، تهران:

نشر کاوش.

بل، وندل (۲۰۰۳)، مبانی آینده پژوهی: تاریخچه، اهداف و دانش، مترجم مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

بیل، جیمز (۱۳۸۶)، تحلیلی بر روند نزدیک شدن آمریکا به ایران، نه شرقی نه غربی، ترجمه ابراهیم متقی، تهران: نشر میزان.

ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸)، اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

چامسکی، نوام (۱۳۸۱) یازده سپتامبر و حمله آمریکا به عراق، ترجمه بهروز جندقی، تهران: عصر رسانه. چیت‌سازیان، محمدرضا؛ شفیعی، نوذر (۱۳۹۶)، چشم‌انداز روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۳۰: سناریوهای ممکن، فصلنامه سیاست جهانی، ۶ (۴).

حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم: نشر دانشگاه مفید.

روبین، باری (۱۳۶۳)، جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران: نشر آشتیانی.

رودپشتی، فریدون؛ شترین‌بیان، ندا (۱۳۹۵)، طراحی سبب سرمایه‌گذاری با استفاده از رویکرد سناریونگاری با به‌کارگیری روش برنامه‌ریزی بر پایه فرض، مجله هنری و مالی اوراق بهادار، ۲۸.

سمسون، آنتونی (۱۳۵۶)، هفت خواهران نفتی، مترجم ذبیح‌الله منصور، تهران: امیرکبیر.

سیف‌زاده، حسین؛ ملکی سعیدآبادی، امید (۱۳۹۰)، چشم‌انداز بیست ساله سیاست خارجی ج.ا.ا: آینده پژوهی مناسبات ایران و آمریکا با بهره‌گیری از ریاضیات توزیع جای‌گشتی، فصلنامه روابط خارجی، ۳ (۱).

شفیعی‌فر، محمد (۱۳۸۱)، حادثه یازده سپتامبر و تأثیر آن بر روابط ایران و آمریکا، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۱.

طالبی‌پور، سعید؛ فلاحت‌پیشه، حشمت‌الله (۱۳۹۵)، تخمین جایگاه ایران در سیاست خارجی آمریکا در ۲۰۲۵، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۰ (۳۷).

علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۷۵)، تاریخ سیاست خارجی ایران (از شاهنشاهی هخامنشی تا امروز)، تهران: دات درسا، چاپ اول.

علیزاده، عزیز؛ وحیدی‌مطلق، وحید؛ ناظمی، امیر (۱۳۹۰)، سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، تهران: اندیشگاه آتی نگار.

عنایت‌الله، سهیل (۲۰۰۷)، پرسش از آینده روش‌ها و ابزارهای تحول سازمانی و اجتماعی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و صنایع دفاعی.

- فوزی، یحیی؛ پیرزادی، مهدی (۱۳۹۷)، آینده‌پژوهی روابط ایران با قدرت‌های بزرگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱.
- الکساندر؛ یونا، الن، نانز (۱۳۷۸)، تاریخ مستند روابط ایران و ایالات متحده، ترجمه سعیده لطفیان، تهران: نشر قومس.
- متقی، ابراهیم؛ بقایی، خرم؛ رحیمی، میثم (۱۳۸۹)، بررسی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از یازده سپتامبر، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۴.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر.
- موجانی، علی (۱۳۷۴)، بررسی مناسبات ایران و آمریکا، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت امور خارجه - موسوی، سیدقائم؛ موسوی، سیدحجت اله (۱۳۹۸)، چشم انداز آینده روابط ایران و آمریکا از منظر منطق فازی. ماهنامه آفاق علوم انسانی، (۳۵).
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱)، تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران، تهران: رسا.
- هوشنگ مهدوی، غلامرضا (۱۳۷۳)، تاریخ روابط خارجی ایران در دوره پهلوی، تهران: نشر قومس.
- واعظی، محمود (۱۳۸۹)، نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه خلیج فارس و چالش‌های هژمونی آمریکا، فصلنامه روابط خارجی، ۶.
- یزدانی، عنایت‌الله؛ محمدی، سلطان (۱۳۹۲)، بررسی نقش و جایگاه تروریسم در سیاست خارجی آمریکا پس از یازده سپتامبر، فصلنامه پژوهش روابط بین‌الملل، ۹.

## Future Scenarios of Iran-US Relations over a Five-Year Horizon Based on a Hypothesis-Based Scripting Approach

Ayooob Nikoo Nahad \*, Abdollah Moradi \*\*, Zohreh Mohammadi \*\*\*

Mohsen Mohammadi Khangahi\*\*\*\*

### Abstract

One of the most complex issues in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran since the victory of the revolution until now has been how to deal with and how to regulate the interaction between Iran and the United States in the regional environment and the international system. Increasing or decreasing the conflicts between the two countries has a logical and significant relationship with a set of interrelated factors, which means that in order to find a solution to reduce conflicts and contradictions, the basic variables must be coordinated within the two countries and in the international environment. In the present study, we seek to answer the question of what scenarios can be drawn for the future of Iran-US relations in the next five years between 2022 and 2027?

The tool to answer this question is to use a scenario-based approach to assumption, which is one of the exploratory approaches in scenario writing and based on evidence, creativity and expertise, and by identifying possible assumption of relations between the two countries And the United States, through brainstorming, using the panel of experts and categorizing them, scenarios have been extracted, and the realization of any scenario will depend on the existence of hypotheses that need to occur.

The research findings indicate that based on the existing variables and hypotheses, the preferred scenario ahead is increased competition and hostility and possible and probable scenarios, conditional and limited interaction, and reconciliation scenario.

It can be concluded that the weight of warning signs is much higher than the shaping measures, load-bearing assumptions and actions that insure the Iran-US relationship, so managing tensions in bilateral relations should be a priority for policymakers in both countries.

**Keywords:** Scenario Writing, Assumption Approach Planning, USA, Iran

---

\* Corresponding Author: PH.D Candidate in the Political Studies Islamic Revolution(Islamic Revolution Futurology) Shahed University, Tehran, Iran

\*\* Assistant Professor, Department of the International Ties, College of, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

\*\*\* PH.D Candidate in the Political Studies Islamic Revolution(Islamic Revolution Futurology) Shahed University, Tehran, Iran

\*\*\*\* PH.D Candidate in the Political Studies Islamic Revolution(Islamic Revolution Sociology) Shahed University, Tehran, Iran